



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان شناسی همگانی

عنوان:

تحلیل گفتمان متون رادیویی بر پایه نظریه نقش گرای هلیدی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمدرضا پهلوان نژاد

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر شهلا شریفی

نگارنده:

سیده ساره پیرایش

۱۳۹۱

صلى الله عليه وسلم

تعهدنامه

اینجانب سیده ساره پیرایش دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد نویسنده پایان‌نامه تحلیل گفتمان متون رادیویی برپایه نظریه نقش‌گرایی هلیدی به راهنمایی دکتر محمدرضا پهلوان نژاد متعهد می‌شوم:

- * تحقیقات در این پایان‌نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.
- * در استفاده از نتایج پژوهش‌های محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- * مطالب مندرج در پایان‌نامه تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک با امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.
- * کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد و مقالات مستخرج با نام «دانشگاه فردوسی مشهد» و یا «Ferdowsi University of Mashhad» به چاپ خواهد رسید.
- * حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان‌نامه تاثیرگذار بوده‌اند، در مقالات مستخرج از رساله رعایت شده است.
- * در کلیه مراحل انجام این پایان‌نامه، در مواردی که از موجود زنده (با بافتهای آنها) استفاده شده است، ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- * در کلیه مراحل انجام این پایان‌نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است.

تاریخ

امضای دانشجو

مالکیت نتایج و حق نشر

* کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه‌های رایانه‌ای، نرم‌افزارها و تجهیزات ساخته شده) متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.

* استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در پایان‌نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد.

در تدوین و نگارش این پایان‌نامه، افتخار شاگردی در محضر دو استاد عزیز، مهربان و گرامی‌ام، جناب آقای دکتر محمدرضا پهلوان‌نژاد، به عنوان استاد راهنما و سرکار خانم دکتر شهلا شریفی، به عنوان استاد مشاور را داشتم و به جاست از نظرات و راهنمایی‌های ارزشمندشان در انتخاب موضوع و رفع بسیاری از کمبودها و لغزش‌های اینجانب، صمیمانه تشکر و قدردانی کنم.

از جناب آقای دکتر حسینی معصوم و دکتر ایزانلو نیز که زحمت بررسی این تحقیق را بر عهده داشتند، تشکر می‌کنم.

از دیگر اساتید مهربانم، جناب آقای دکتر زمردیان، دکتر مشکوه‌الدینی، دکتر جهانگیری و سرکار خانم دکتر استاجی نیز که در طول این دوره از آنها بسیار آموختم، صمیمانه سپاسگزارم.

و سپاس بی‌کران از دوستان خوبم: سریرا کرامتی یزدی، هلناز پوریان، مریم سوادی و خواهر عزیزم فاطمه پیرایش.

سیده ساره پیرایش

شهریور ۱۳۹۱

تقدیم به:

پدر و مادرم، سرچشمه‌های پاک هستی‌ام

به پاس مهربانی‌های بی‌انتهایشان

همسرم، امید بودنم

به پاس عشق، دلگرمی و همراهی بی‌پایانش

و

زیباترین اتفاق زندگی‌ام،

شیرین و ناب بی‌همتایم،

پارسا



بسمه تعالی

مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی دانشجویان
دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله/پایان نامه: تحلیل گفتمان متون رادیویی بر پایه نظریه نقش‌گرای هلیدی

نام نویسنده: سیده ساره پیرایش

نام استاد(ان) راهنما: دکتر محمدرضا پهلوان‌نژاد

نام استاد(ان) مشاور: دکتر شهلا شریفی

رشته تحصیلی: زبان‌شناسی همگانی	گروه: زبان‌شناسی	دانشکده: ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعی
تاریخ دفاع:	تاریخ تصویب:	
تعداد صفحات: ۱۶۴	مقطع تحصیلی: <input type="radio"/> کارشناسی ارشد <input type="radio"/> دکتری	

چکیده رساله/ پایان‌نامه: نظریه‌ی نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی یکی از معروف‌ترین نظریات زبانی است که از آن در تحلیل انواع متن به ویژه با هدف بررسی نقش‌های مختلف زبانی استفاده می‌شود. هلیدی بر این باور است که اصلی‌ترین هدف زبان، انتقال معناست؛ و به همین منظور، گویشوران برای تبادل معنا، متن را می‌سازند. یعنی چیزی که در تعامل مهم است، انتقال معناست نه صورت‌های زبانی. هدف این تحقیق، بررسی متون رادیویی شبکه جوان – به عنوان یکی از پرمخاطب‌ترین شبکه‌های رادیویی – برپایه‌ی دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و به طور خاص فرانقش بینافردی است. روش به کار رفته در این تحقیق، تحلیلی-توصیفی است. به این منظور تعداد ۸۰۰ بند از متون پیاده شده‌ی رادیو جوان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد بیشترین زمان به کار رفته در داده‌ها، زمان حال است. همچنین بند خبری، پرسامدترین نوع بند است که البته با تفاوت کمی که با دیگر بندها دارد، از یک‌سویه و غیرپویا شدن تعامل جلوگیری شده است. بندهای پیشنهادی، پرسشی و امری که در رتبه‌های بعد قرار می‌گیرند، دارای تعامل‌های پویا و دوسویه هستند که این رسانه را در برقراری ارتباط مفیدتر با مخاطب به منظور انتقال مفاهیم و اطلاعات، یاری می‌رسانند.

امضای استاد راهنما:	کلیدواژه:
تاریخ:	۱. تحلیل گفتمان ۲. متن رادیویی ۳. دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی ۴. فرانقش بینافردی

فهرست مطالب:

فصل اول: کلیات	۱
۱-۱ مقدمه	۲
۲-۱ معرفی برخی مفاهیم	۳
۳-۱ هدف پایان نامه	۱۸
۴-۱ علت انتخاب متون رادیویی	۲۱
۱-۴-۱ ویژگی های رادیو جوان	۳۱
۵-۱ روش انجام کار	۳۴
۶-۱ سؤال های تحقیق	۳۵
۷-۱ ساختار پایان نامه	۳۶
۸-۱ کلیدواژه ها	۳۷
فصل دوم: پیشینه ی تحقیق	۳۸
۱-۲ مقدمه	۳۹
۲-۲ معرفی زبان شناسی نقش گرا	۴۰
۳-۲ مروری بر پژوهش های انجام شده	۴۷
۱-۳-۲ حوزه ی تحلیل گفتمان متون مختلف رادیویی	۴۸
۲-۳-۲ حوزه ی بررسی متون رادیویی یا تلویزیونی از دیدگاه های مختلف	۴۹

۵۵ حوزه‌ی بررسی متون مختلف براساس نظریه‌ی نقش‌گرای هلیدی
۶۰ ۴-۳-۲ حوزه‌ی تحلیل گفتمان (به طور کلی)
۶۲ فصل سوم: چارچوب نظری تحقیق
۶۳ ۱-۳ مقدمه
۶۳ ۲-۳ دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی
۷۱ ۳-۳ مفهوم فرانش در رویکرد هلیدی
۷۴ ۱-۳-۳ فرانش تجربی
۷۸ ۲-۳-۳ فرانش بینافردي و اهمیت آن
۸۵ ۱-۲-۳-۳ وجه
۹۵ ۲-۲-۳-۳ مانده
۹۸ ۳-۳-۳ فرانش متنی
۱۰۲ ۴-۳ جایگاه معنا و دستور در رویکرد هلیدی
۱۰۷ فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها
۱۰۸ ۱-۴ مقدمه
۱۱۰ ۲-۴ تجزیه و تحلیل داده‌ها
۱۲۴ ۳-۴ نمونه‌های تحلیل
۱۳۹ فصل پنجم: خلاصه و نتیجه‌گیری

۱۴۱ ۱-۵ نتایج

۱۴۶ ۲-۵ ارائه‌ی پیشنهاد

۱۴۸ کتابنامه

فصل اول

کلیات

۱-۱ مقدمه

تحلیل گفتمان^۱ به اشکال مختلفی قابل انجام و پژوهش است. به عنوان مثال می‌توان از روش‌های نقش‌گرایانه، صورت‌گرایانه و شناختی سود جست و در هر یک از این دسته‌ها و گروه‌های انتخابی می‌توان این تحلیل‌ها را بر اساس مدل‌های معرفی شده توسط زبان‌شناسان، پژوهشگران و محققان مختلفی که در این زمینه همت گمارده‌اند، بررسی و مطالعه نمود.

در این پایان‌نامه کوشیده شده است متون رادیویی از منظر نقش‌گرایی هلیدی مورد بررسی قرار گیرند و از آنجا که ماهیت این متون بر پایه‌ی رابطه‌ی بین گوینده/نویسنده و مخاطب است، تمرکز کار بر روی فرانش بینافردی گذاشته شده تا نتایج بهتر و دقیق‌تری به دست آید.

در این فصل که به کلیات این پژوهش اختصاص دارد، ابتدا به ارائه‌ی مقدمه‌ای از برخی مفاهیم مربوط به گفتمان، تحلیل گفتمان، نقش‌گرایی، دستور نقش‌گرایی نظام‌مند هلیدی و نقش‌های زبان می‌پردازیم و در ادامه به طرح مباحثی پیرامون هدف پایان‌نامه، علت انتخاب متون رادیویی، روش انجام و سؤال‌های تحقیق، ساختار کلی و معرفی کلیدواژه‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

¹ Discourse Analysis

۲-۱ معرفی برخی مفاهیم

گفتمان: واژه‌ی گفتمان^۱ که برخی منابع آن را به قرن ۱۴ میلادی نسبت می‌دهند، از واژه فرانسوی *discourse* و لاتین *discursus* به معنی گفت‌وگو، محاوره، گفتار و از واژه‌ی *discursum/discurrer* به معنی طفره رفتن، از سر باز کردن، تعلل ورزیدن و ... گرفته شده است (بشیر، ۱۳۸۵: ۹).

این واژه در طول زمان، توسط پژوهشگران رشته‌های مختلف با معانی متفاوت ولی نزدیک به هم، به کار رفته است؛ اما به گفته‌ی ون‌دایک^۲ مفهوم آن همانند واژه‌های زبان، ارتباط، تعامل، جامعه و فرهنگ، مفهومی اساساً مبهم است (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۵). وی در توضیح معنای متعارف گفتمان، آن‌گونه که در زبان روزمره و فرهنگ‌های لغت به کار می‌رود، گفتمان را شکلی از کاربرد زبان، مثلاً در یک سخنرانی و یا حتی به‌طور کلی‌تر، زبان گفتاری یا شیوه سخن گفتن می‌داند (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۷-۸).

گفتمان، جریان و بستری است که دارای زمینه‌های اجتماعی است. اظهارات و مطالب بیان شده، گزاره‌ها و قضایای مطرح شده، کلمه‌ها و عبارات‌های مورد استفاده و معانی آنها، همگی بستگی به این دارند کی، کجا، چگونه، توسط چه کسی یا علیه چه چیزی یا چه کسی، در چه بستر و با چه قدرت و وسعتی به کار رفته‌اند. اما یک پرسش اساسی مطرح است و آن این که خاستگاه گفتمان‌ها کجاست؟ در پاسخ به این پرسش، میشل فوکو^۳ معتقد است که «هر حادثه‌ای، در درون گفتمان

¹ Discourse

² Van Dijk

³ Michel Foucault

خودش قابل تحلیل است». او هر نوع گفتمانی را گرفتار ساختار اجتماعی برآمده از قدرت می‌بیند و قدرت را علت نهایی هر گفتمانی می‌داند. او گفتمان‌ها را سازنده سوژه‌ها و موضوع‌ها می‌داند، به این معنی که این گفتمان‌ها هستند که مشخص می‌کنند، چه کسی، در چه زمانی با چه کسی و درباره چه چیزی می‌تواند صحبت کند (تاجیک، ۱۳۷۸: ۱۵).

به عبارتی، گفتمان عبارت است از «تلازم گفته با عرف و کارکرد اجتماعی آن گفته». بدین ترتیب، گفتمان با گفتار، گفته، سخن و مقال تفاوت دارد، هرچند مشاهده می‌شود که این تعبیر را اغلب به جای گفتار، گفته و سخن که تنها به یک روی سکه (یعنی نیمه زبانی آن) اشاره دارند، به اشتباه به کار می‌برند (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۶).

همان‌طور که تا کنون دیدیم برای گفتمان معانی متعددی وجود دارد و با توجه به کاربرد آن در حوزه‌های مختلف دانش می‌توان نقش و کار ویژه‌ای برای آن در نظر گرفت.

در برخورد با مفهوم گفتمان باید اذعان داشت که گفتمان مفهومی است میان رشته‌ای که در بسیاری از رشته‌های علوم اجتماعی چون زبان‌شناسی، فلسفه، نقد ادبی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و غیره کاربرد دارد.

مفهوم گفتمان پدیده‌ای است که همین امر، موجب پیچیدگی و ابهام در دریافت صحیح معانی و تعاریف و فهم دقیق نقش و جایگاه آن شده است. نو بودن مسائل و موضوعات مطرح شده در بحث گفتمان از یک سو، و گستردگی دامنه‌ی کاربرد آن از سوی دیگر - که رشته‌های متنوع را در بر می‌گیرد - سبب شده تا اقبال و توجه چشمگیری به آن صورت بگیرد. جامعه‌ی ما نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. هرچند این اقبال و روی آوردن به مباحث گفتمان، متأسفانه با

آشفته‌گی‌هایی نیز همراه بوده که در بسیاری موارد با خلط‌های معنایی و آشفته‌گی‌های مفهومی در نحوه و شکل استفاده از این مفهوم مواجه هستیم. به گونه‌ای که در اکثر موارد با اندکی دقت و تأمل در گفتار، نوشتار یا آثار گویندگان، نویسندگان و دیگرانی که از این واژه استفاده می‌کنند، متوجه خواهیم شد که دریافت صحیحی از این مفهوم، تعریف آن، دامنه یا شمول کارکرد آن و ... ندارند، با وجود این بی‌محابا آن را به کار می‌برند (مک‌دانل، ۱۳۸۰: ۹).

گفتمان فرآیندی اجتماعی است که متشکل از «متن» و «بافت» است. عادت‌های زبانی انسان‌ها بر اساس اعمالی که انجام می‌دهند و براساس ماهیت فعالیتشان و بافت اجتماعی که در آن زبان را برای انجام برخی اعمال به کار می‌گیرند، متفاوت است. یعنی گویشوران زبان، منابع زبانی را در زمان صحبت کردن یا نوشتن به صورت اختیاری یا آزادانه به کار نمی‌برند، بلکه برخی هنجارهای رفتاری کنش‌های زبانی آنها را شکل می‌دهد. مردم یاد می‌گیرند که چه طور به زمینه‌های اجتماعی معنا دهند. این اعضا در خلال تجربیاتشان بافت‌های زبانی، موقعیتی و فرهنگی که آنها را به عنوان گوینده قادر می‌سازد تا هنجارهای نظام‌مندی که بر متن‌های خاص حاکم است را انتخاب کنند (هلیدی، ۱۹۹۴: ۳۲).

گفتمان از دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد در اشکال و قالب‌های مختلفی سر برآورد که مهم‌ترین آنها قالب یا شیوه‌ی «تحلیل گفتمان» است که به عنوان ابزار روش‌شناسی نوظهوری در عرصه‌ی علوم انسانی و علوم اجتماعی سر برآورد (مک‌دانل، ۱۹۸۹: ۱۶).

تحلیل گفتمان: به طور کلی، تحلیل گفتمان از معنی و محدوده‌ی مشخصی برخوردار نیست.

مطالعات مربوط به زبان‌شناسی متن نقش مهمی در روند بسط و تکامل تحلیل گفتمان در کلیه‌ی حوزه‌ها و متون دارد و مطالعات و تحقیقات دست‌نویسان متنی در عرصه‌ی زبان گفتاری و نوشتاری نیز، از این دسته است. این دست‌نویسان، متون را به منزله‌ی عناصری می‌دانند که روابط قابل تعریف و مشخصی با یکدیگر دارند. پیوستگی و انسجام هر متن (نشانه‌گذاری روساختی روابط معنایی بین عناصر آن) در کنار روابط ژرف‌ساختی یا روابط منطقی، روابط بین‌فردی و اجتماعی بین عناصر آن که عامل انسجام و پیوستگی کلی آن متن به شمار می‌روند، مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

امروزه تحلیل گفتمان به رویکردی نوین، غنی و بین‌رشته‌ای در عرصه‌های مختلف علوم انسانی نسبت به متن اطلاق می‌شود که ارائه‌ی تعریفی جامع و مورد اتفاق از آن، دشوار است. این دشواری بیشتر ناشی از پیچیدگی و ابعاد گوناگون واژه‌ی گفتمان است که از سطحی انتزاعی در فلسفه تا سطح ساختارهای فراتر از یک جمله در زبان‌شناسی قابل تعریف است. به فراخور همین تعریف‌ها و رویکردها به واژه‌ی گفتمان است که انواع تحلیل‌های گفتمانی نیز شکل می‌گیرند (خیامی و بشیر، ۱۳۸۹).

به نقل از ژیل دولوز^۱، هیچ زبانی به تنهایی وجود ندارد، زبان تنها و واحد نداریم، همین‌طور کلیت زبانی یا شمولیت زبانی نیز نداریم، بلکه آنچه وجود دارد عبارت است از تلاقی و تجمع لهجه‌ها، گویش‌ها، لهجه‌های عامیانه‌ی محلی، اصطلاحات و عبارات روزمره و کوچه بازاری، و

¹ Gilles Deleuze

زبان‌های ویژه (یعنی مجموع آنچه در گفتارها و متون رادیویی از قبیل رادیو جوان به کار برده می‌شود که گفته‌ی دولوز، ذهن نگارنده را متوجه ارتباط بین این توصیف با آنچه که در روال برنامه‌های شبکه‌های رادیویی جاری است، می‌کند). هیچ گوینده/شنونده‌ی زبانی ایده‌آلی، توانمندتر از جامعه‌ی زبانی همگن وجود ندارد. چیزی به نام زبان مادری نداریم، بلکه آنچه که وجود دارد قبضه‌ی قدرت توسط زبانی غالب و مسلط در قالب چندگانگی و تنوع سیاسی است (دولوز، ۱۹۷۶: ۵۳).

تحلیل گفتمان غالباً به مطالعه و بررسی آن دسته از کارکردها و تأثیرات زبان‌شناختی، معناشناختی، نشانه‌شناختی، سبک‌شناختی و نحوی اطلاق می‌شود که توصیف و تشریح آنها مستلزم در نظر گرفتن توالی، ترادف و همین‌طور ساختار جمله است (همان: ۱۷).

در بستر مطالعات مربوط به زبان‌شناسی کاربردی، غالباً از مطالعه‌ی گفتمان نوشتاری و کلامی با عنوان تحلیل گفتمان یاد می‌کنند. برخی از پژوهشگران از تحلیل گفتمان برای ارجاع به مطالعه‌ی گفتمان‌های کلامی (گفتاری) و از زبان‌شناسی متن برای ارجاع به مطالعه‌ی گفتمان نوشتاری استفاده می‌کنند. بر این مبنا، تحلیل گفتمان در چارچوب زبان‌شناسی عمومی و کاربردی عبارت است از بررسی این مسئله که چگونه جملات در زبان گفتاری و نوشتاری واحدهای معنادار گسترده‌تری نظیر پاراگراف‌ها، مکالمات، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و امثال این را شکل می‌دهند. بنابراین تحلیل گفتمان در نهایت به موارد زیر مربوط می‌گردد و با آنها سر و کار دارد:

الف) گزینش حروف تعریف، ضمائر و زمان‌ها چگونه بر ساختار گفتمان تأثیر می‌گذارد.

ب) رابطه‌ی بین پاره‌گفته‌ها در یک گفتمان.

ج) حرکت‌های ایجاد شده از سوی گوینده برای معرفی و ارائه‌ی عنوانی جدید، تغییر عنوان یا تعیین رابطه‌ی نقشی مهم‌تر برای دیگر مشارکت‌کنندگان (همان: ۲۰).

تحلیل گفتمان که در زبان فارسی به «سخن‌کاوی»، «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» نیز ترجمه شده است، ریشه در سنت دیرین علم بیان، فصاحت و بلاغت دارد؛ اما از نیمه دوم قرن بیستم به عنوان یک حوزه مستقل میان رشته‌ای در علوم انسانی و اجتماعی معرفی شد. این گرایش، به دلیل بین رشته‌ای بودن، خیلی زود به عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات، و زبان‌شناسی انتقادی مورد استقبال واقع شد. اصطلاح تحلیل گفتمان نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف امریکایی زلیک هریس^۱ به کار رفت. وی گفتمان را به عنوان گفتار و یا نوشتار متصل تعریف می‌کند. روش‌هایی که او برای تجزیه و تحلیل گفتمان پیشنهاد می‌کند، نشأت گرفته از روش‌های زبان‌شناسی ساختاری است. هریس کوشید تا سطح تحلیل را از مرز جمله فراتر برد ولی با ظهور چامسکی و سلطه نظریه‌ی زایشی-گشتاری بر دنیای زبان‌شناسی، تلاش وی به جایی نرسید. دوبوگراند^۲ و درسلر^۳ (به نقل از آقاگل زاده، ۱۳۸۳: ۹۱) معتقدند «زبان‌شناسی جدید در دوره‌های نخستین حیات خود با تأکیدی که بر کشف و توصیف واحدهای کمینه در هر یک از سطوح زبان‌شناسی از قبیل آواها، صوت، نحو و معناشناسی داشت، هیچ توجهی به مطالعه‌ی رشته‌های بلندتر از جمله یعنی متن نکرده بود. بنابراین تجزیه و تحلیل دستورهای سنتی از بررسی و مطالعه واحدهای مهم که با یکدیگر متن را تولید می‌کنند به کلی غافل ماندند.» بنابراین در برابر دستوریان زایشی که واحد مطالعه زبانی را

¹ Zellig Harris

² de Beaugrande

³ Dressler

جمله می‌دانستند، نقش‌گرایان^۱ ظهور کردند. آنان سطح تحلیل را از جمله فراتر برده و در تحلیل‌های خود سه عامل مهم را مورد استفاده قرار می‌دهند:

۱- راهبردهای آغازی^۲

۲- بافت توزیع اطلاعات^۳

۳- تمهیدات پیوندی^۴

بسته به نوع گفتمان، یعنی اینکه گوینده یا نویسنده کیست، شنونده یا خواننده کیست، هدف گفتار یا نوشتار چیست، چه می‌خواهد گفته شود و غیره، گفتمان سازمان بندی خاصی پیدا می‌کند که می‌شود ویژگی‌های آن را از طریق این سه عامل بررسی کرد (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۹).

تحلیل گفتمان به زبان‌شناسی محدود نشد و در مدت نسبتاً کوتاهی (نزدیک به دو دهه) این گرایش از زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی انتقادی، به همت متفکرانی چون میشل فوکو، ژاک دریدا^۵ و میشل پشو به مطالعات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز راه یافت و شکل انتقادی به خود گرفت. مفهوم گفتمان، امروزه به صورت یکی از مفاهیم کلیدی و پرکاربرد در تفکر فلسفی، اجتماعی و سیاسی مغرب زمین درآمده و با مفاهیمی چون سلطه، زور، قدرت، مهاجرت، نژادپرستی، تبعیض جنسی، نابرابری قومی و غیره همراه است. مفهوم گفتمان و تحلیل انتقادی آن اینک با نام فوکو همراه شده است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹).

¹ Functionalists

² Thematization strategies

³ Information structure

⁴ Cohesive devices

⁵ Jacques Derrida

با توجه به چنین پیش زمینه‌ای می‌توان گفت که تحلیل گفتمان می‌تواند با دو دیدگاه انجام گیرد: نخست، در ساختار زبان‌شناسانه و دوم، در رابطه بین اطلاعات زبانی و غیرزبانی (مانند فرهنگ، محیط و اجتماع). در دیدگاه دوم، عوامل فرازبانی مثل محیط، اجتماع، سیاست و قدرت و مانند اینها هستند که سوژه و موضوع گفتمان را مشخص می‌کنند و حتی در دیدگاه نخست، یعنی صورت‌های زبانی نیز تأثیرگذارند. دیدگاه اول تحلیل گفتمان را می‌توان صورت‌گرایی و دیدگاه دوم را کارکردگرایی نامید (بشیر و فرقانی، ۱۳۸۸).

هدف تحلیل گفتمان، نشان دادن نقش‌های پنهانی است که زبان در مناسبات قدرت بازی می‌کند. زیرا زبان در تحلیل گفتمان، محملی برای طرح ایدئولوژی‌ها فراهم می‌کند و هر گفتمان را می‌توان به نوعی نماینده یک ایدئولوژی خاص فرض کرد و با این دید آن را تحلیل کرد (ون‌دایک: ۲۰۰۱).

نقش‌گرایی^۱: در دهه ۱۹۶۰، نظریه‌ی نقش‌گرایی به عنوان یکی از تأثیرگذارترین رویکردها در علوم شناختی، توسط هیلاری پوتنام^۲ مطرح شد. نقش‌گرایی در عین حال منتقدانی نیز داشت، به ویژه جان سرل^۳ که انتقاداتش به نقش‌گرایی و هوش مصنوعی مشهور است (تامپسون، ۲۰۰۳: ۵۳).

¹ Functionalism

² Hillary Putnam

³ John Searle

حالات ذهنی در نقش‌گرایی، واقعی فرض می‌شوند؛ این حالات در واقع علت پاسخ‌های ما به محرک‌ها هستند. نمی‌توان تمام پاسخ‌ها را بر مبنای حرکت یا زبان، ارزیابی کرد. مثلاً در مواجهه با یک موجود وحشتناک، در جای خود بی‌حرکت ماندن راهکار خوبی است، به این امید که آن موجود متوجه حضور ما نشود. در چنین موقعیتی دویدن بی‌فایده است. بنابراین پاسخ ذهنی به این ترس از بیان و اظهار کلامی، سکوت، ثابت ماندن و حرکت نکردن است. نقش‌گرایی بیشتر در تعامل با عملگرایی و کارکردگرایی است و نظریه را تا جایی قابل بحث می‌داند که به یک نتیجه‌ی عملی منجر گردد (همان: ۵۴).

اصولاً نقش‌گرایان را باید زبان‌شناسان تکامل‌گرا^۱ نامید، زیرا در دیدگاه آنان ساخت زبان تنها در ارتباط مستقیم با عوامل و مقولات گوناگون (مانند محتوای معنایی جملات، محتوای کلامی در کاربردشناسی و ...) قابل توصیف و تبیین است. در نقش‌گرایی، داده‌های زبانی معمولاً در بافت غیرزبانی و بافت زبانی خود مورد بررسی و توصیف قرار می‌گیرند، نه به عنوان داده‌های مستقل و بافت زدوده و یافته‌های آنها با اتکا به مطالعات آماری پدیده‌ی مورد نظر، یا به تعبیری با استناد به شم جامعه زبانی حاصل می‌گردد و تبیین می‌شوند.

در نقش‌گرایی با گونه‌های مختلف روبرو هستیم که وجه اشتراک همگی آنها «تکامل‌گرایی» است و باور به این‌که اصلی‌ترین وظیفه‌ی زبان ایجاد ارتباط است. در این رویکرد تفکر استقلال و خودمختاری زبان رد شده و بر حضور نقش ارتباطی، کاربردشناختی و کلامی به عنوان بخش لاینفک دانش زبانی تأکید می‌شود. به اعتقاد نقش‌گرایان، تفاوت‌های صورت‌های زبانی تابعی از

¹ Evolutionist